



تحصیلات تکمیلی

پایان نامه کارشناسی ارشد در رشته کلام اسلامی

عنوان:

بررسی تطبیقی شفاعت، توسل و زیارت از دیدگاه امامیه، اشاعره و وهابیت

استاد راهنما:

دکتر دادخدا خدایار

استاد مشاور:

دکتر حسین خاکپور

تحقیق و نگارش:

یاسین خسروی

(این پایان نامه از حمایت مالی معاونت پژوهشی دانشگاه سیستان و بلوچستان بهره مند شده است)

شهریور ۱۳۹۱

بسمه تعالی

این پایان نامه با عنوان قسمتی از برنامه
آموزشی دوره دکتری توسط دانشجو با راهنمایی استاد پایان نامه
تهیه شده است. استفاده از مطالب آن به منظور اهداف آموزشی با ذکر مرجع و اطلاع کتبی به حوزه تحصیلات تکمیلی
دانشگاه سیستان و بلوچستان مجاز می باشد.

(نام و امضاء دانشجو)

تاریخ

امضاء

نام و نام خانوادگی

استاد راهنما:

استاد راهنما:

استاد مشاور:

استاد مشاور:

داور:

داور:

داور:

داور:

نماینده تحصیلات تکمیلی:



تعهدنامه اصالت اثر

اینجانب یاسین خسروی تعهد می‌کنم که مطالب مندرج در این پایان‌نامه حاصل کار پژوهشی اینجانب است و به دستاوردهای پژوهشی دیگران که در این نوشته از آن استفاده شده است مطابق مقررات ارجاع گردیده است. این پایان‌نامه پیش از این برای احراز هیچ مدرک هم سطح یا بالاتر ارائه نشده است. کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به دانشگاه سیستان و بلوچستان می‌باشد.

نام و نام خانوادگی دانشجو:

امضاء

تقدیم به:

تمامی شهیدان راه حق بالاخص، شهیدانی که در راه تبلیغ و تبیین اسلام ناب محمدی(ص) از خون خود دریغ نکردند از جمله شهیدان حجه الاسلام و المسلمین توکلی و مولوی مصطفی جنگی زهی که در راه تبلیغ دین و مذهب خود از دایره انصاف خارج نشدند و به افراط گرایی نیز متمایل نگردیدند و به واسطه اینکار، جان خود را لایق شهادت گردانیدند.

تقدیر و سپاس:

باید دانست که این پایان نامه بدون الطاف الهی و دعای خیر پدر و مادرم پایان نمی گرفت، بر خود لازم می دانم که انتهای قدر دانی و سپاسگذاری خویش را تقدیم قلب های پرمهر همه معلمان و اساتیدم کنم، و از خداوند متعال برای همه این عزیزان اجر دنیوی و اخروی مسئلت می جویم ؛ به ویژه از استاد گرانقدرم دکتر خدایار ممنون و سپاسگذارم که بدون راهنمایی های مشفقانه ایشان این نوشته به پایان نمی رسید.

از تمامی دوستان و عزیزانی که همواره در تحصیل و تحقیقات اینجانب یار و همراه من بوده اند ممنون و سپاسگذارم و نیز اگر از همسرم که در تمامی این مراحل همراه و مشفق من بوده تشکر نکنم ، شکر نعمت را به جا نیاورده ام ، از ایشان نیز ممنون و سپاسگذارم.

چکیده:

اختلاف نظر در بعضی از اعتقادات در میان مسلمانان بوجود آمد و باعث ایجاد فرق کلامی گردید و همرا با فراز و نشیب و پیامدهای مثبت و منفی استمرار یافت. مشهورترین این فرق، معتزله، اشاعره و امامیه می باشند و امروزه در میان اهل سنت، فرقه اشاعره غلبه فکری خود را بر سایر فرق کلامی آنان حفظ کرده و در تشیع نحله امامیه (اثنی عشریه) توانسته است از مبانی فکری و اعتقادی خود به رغم محدودیت های خاص دفاع نماید و پایدار بماند. در کنار فرق مهم و مشهور کلامی جریانات و گروه های افراطی نیز کم و بیش ظهور و افول کرده اند، از جمله آنها در دوران معاصر «وهابیدن هستند» که با ادعای سنی گری به مخالفت و عداوت با بعضی از فرق مسلمان، بالخصوص مذهب امامیه و آنها را به دلیل بعضی از باورهایشان چون شفاعت، توسل، زیارت و متهم به شرک و کفر نموده و در این راستا بدون توجه و گفتمان علمی و منصفانه؛ اقدام به خصومت، خشونت و تکفیر و تفسیق مخالفین خود کرده و مع الاسف، اتحاد و اصالت مسلمین را شکننده ساخته اند. در مقابل امامیه سعی دارد تا با بحث استدلالی مبتنی بر منابع اصیل اسلامی آموزه ها و باور های خود را ارائه و با مخالفین خود تعامل منطقی داشته باشد.

در همین جهت در این نوشتار بناست تا با روشی منطقی و مستند اندیشه های امامیه، اشاعره و وهابیه در خصوص مسائل مربوط به شفاعت، توسل و زیارت بررسی و تطبیق گردد و اشتراکات و افتراقات آنها تبیین شود. سپس به این سوال پاسخ داده شود که تفاوت دیدگاه وهابیت با اشاعره و امامیه در مسائل مذکور چیست؟ آیا وهابیت عقاید خود را در این زمینه از اشاعره گرفته است؟ در این نوشتار پس از مطالعه، بررسی و تطبیق این نتیجه حاصل شد که؛ کلیات و اصل شفاعت، توسل و زیارت مورد قبول می باشد اما در مصادیق، جزئیات و اقسام و موارد آن اختلاف نظر جدی وجود دارد این تفاوت بین اشاعره و امامیه کمتر و بین امامیه و وهابیه به مراتب بیشتر است، اشاعره اگر چه بخشی از باورها را در خصوص شفاعت، توسل و زیارت را قبول ندارند و مشروع نمی دانند اما اقدام به تکفیر نمی کنند اما وهابیت با تکیه بر افکار ابن تیمیه و محمد بن عبدالوهاب با استنباطی سلیقه ای و یک جانبه؛ بسیاری از مصادیق و موارد موضوعات مذکور را نه تنها شرک و کفر می دانند بلکه اعلان تکفیر و جنگ و ریختن خون آنان را مباح می دانند؛ بطور کلی می توان گفت که در بعضی از کلیات و اصول و مبانی اشاعره و وهابیت اشتراک نظر دارند، اما وهابیت برداشتهای فرعی و افراطی از آن کلیات و اصول را به خود اختصاص داده است.

کلمات کلیدی: توحید، شرک، امامیه، اشاعره، وهابیت، شفاعت، توسل، زیارت

فصل اول

کلیات

کلیات تحقیق

کلیات تحقیق عبارتند از مسائلی که مراحل کار تحقیق را مشخص می‌سازند؛ از جمله: بیان مسئله، سئوالات اصلی و فرعی، هدف و کاربرد، فرضیه، روش، ضرورت، پیشینه و سازماندهی.

بیان مسئله

وهابیت به عنوان فرقه‌ای که در یکی دو قرن اخیر بر سر زبان‌ها افتاده و به طور گسترده و فعال مطرح شده است؛ اختلافات عمیقی نه تنها با امامیه بلکه با سایر مذاهب اسلامی نیز دارد. سوال اساسی این است که آیا این تفاوت‌ها و افتراقات بین فرقه وهابیت با امامیه و بعضی از فرق و مذاهب اسلامی، نوظهور است و ساخته و پرداخته پیروان جدید آن است و یا ریشه در افکار کلامی و مذاهب پیشین اهل سنت و جماعت دارد. به عبارت دیگر، فرقه وهابیت، افکار و اعتقادات خود را از مذاهب کلامی مثل اشاعره و معتزله و ماتریدیه گرفته است؛ یا اینکه خود راسا ابداع و مطرح کرده است؟ و می‌توان اختلافاتی بین وهابیت با امامیه و اشاعره در موضوعاتی مانند کفر و ایمان، صفات خدا، فرستادن انبیاء، راه شناخت انبیاء، امامت و ولایت، مهدویت، عصمت، رجعت، عدل، جبر و اختیار، قاعده اصلح، حسن و قبح و جزء لا یتجزی و ... پیدا کرد. در این تحقیق بناست موضوعات شفاعت، توسل و زیارت به طور تطبیقی در وهابیت از یک سو و سوی دیگر با اشاعره و امامیه مورد بررسی قرار می‌گیرد که تعریف هر یک به اختصار در ذیل آمده است.

شفاعت: منظور آن است که در روز رستاخیز اولیاء و انبیاء علیهم السلام از بندگان و امت خود به پیشگاه خداوند طلب عفو و مغفرت کرده و واسطه شوند.

توسل: منظور خواستن حقیقتی از حقیقت وجودی انسانهای برگزیده و کامل بر وساطت در امر خیری در دنیا و آخرت است.

زیارت: نوعی دیدار خاص توأم با اکرام از قبور بزرگان و بزرگ زادگان دینی است.

سوالات اصلی

دیدگاه‌های سه فرقه امامیه، اشاعره و وهابیت در موضوعات شفاعت، توسل و زیارت چیست؟

سوالات فرعی

با بررسی به سوالات ذیل در سه فرقه امامیه ، اشاعره و وهابیت به تطبیق نظرات آنان می پردازیم.

معنای واقعی شفاعت چیست؟

شافعان واقعی چه کسانی هستند؟

چه کسانی مورد شفاعت قرار می گیرند؟

معنای واقعی توسل چیست؟

اهداف و فلسفه توسل چیست؟

معنای واقعی زیارت چیست؟

آیا زنان به زیارت قبور می توانند بروند؟

آیا برای زیارت قبور می توان قصد سفر کرد؟

هدف ها و کاربرد

با عنایت به اینکه وهابیون از یک سو خود را از مجموعه اهل سنت و جماعت می شمارند و از سوی دیگر بعضی اوقات علما و اندیشمندان اهل سنت از آنها اعلام برائت و جدایی می کنند؛ این موضوع برای بسیاری از مسلمانها مبهم و نامعلوم می باشد و باعث سردرگمی در موضع گیری ها و تعاملات شده است. روشن شدن این مطلب، تعامل و رابطه بین مذاهب اسلامی را در جهان کنونی و ارتباطات کشورهای مسلمان و موضع گیری سیاسی و اعتقادی آنان را واضح و روشن می کند.

با استفاده از این پایان نامه مرزهای فکری و اعتقادی بین سه فرقه امامیه، اشاعره و وهابیت روشن تر می شود و می تواند باعث تنویر افکار اقشار مختلف جامعه شود.

فرضیه

وهابیت بعضی از اعتقادات خود را از برخی مذاهب پیشین اهل سنت، بالاخص مذهب اشاعره اخذ کرده است که به صورت افراطی آنها را مطرح می کند.

روش

در این پژوهش پس از مشورت و مشاوره با اساتید محترم و با بررسی و مطالعه ی آثار مربوطه و هماهنگ با موضوع ، مباحث از طریق مطالعه کتابخانه ای و نرم افزاری جمع آوری و به بررسی و تطبیق نظرات در آثار مکتوب و موجود مربوطه پرداخته و به صورت تحلیلی با محوریت مباحث نقلی و عقلی ارائه می شود.

ضرورت انجام تحقیق

در مقالات و کتب گذشته، این مطالب به صورت پراکنده و غیر مستقیم از متون مرجع وهابیون بیان شده است و در این زمینه نوشته‌ی مستقلی و کاملی یافت نشده است و لذا حق مطلب در این خصوص آن طور که باید، ادا نشده است. ضرورت دارد که با وجود این نقص‌ها و خلاء در کتب مذکور و نیاز جامعه برای پاسخ به سوالات باقیمانده تحقیقی جدید و با استنادات مستقیم به کتب مرجع و در خور توجه و مطلوب انجام شود.

پیشینه

تا کنون، مقالات متعددی با موضوع شفاعت و توسل و زیارت تدوین گردیده است، و هر چند نگارنده بیش از ده ها مقاله با موضوعات فوق بررسی نموده است؛ ضمن قدرانی از آثار بسیار ارزشمند ایشان، لازم به ذکر است که تاکنون این مباحث به صورت تطبیقی میان سه فرقه امامیه و اشاعره و وهابیت، تحقیق و پژوهشی صورت نگرفته- است. که نام تعدادی از این مقالات به شرح ذیل می باشد:

شفاعت:

شفاعت از نظر عقل و نقل : محسن غرویان

شفاعت در قرآن و کلام معصومان: زهرا بهدانی

بررسی مساله شفاعت: رضا باقر زاده

شفاعت ضابطه مند از نظر صدرائیان: فاطمه صادق زاده

در المختار: حصکفی

الرسائل الشخصیة: محمد بن عبدالوهاب

توسل:

فلسفه توسل: محسن غرویان

توسل: عبد الکریم بی آزار شیرازی

توسل به اولیای خدا: مینا شمخی

فتاوی اللجنة الدائمة: أحمد بن عبد الرزاق الدویش

کتاب التوحید: عبد الله الفوزان

زیارت:

زیارت اهل قبور و پیشوایان اسلام و آثار آن: حسین حقانی زنجانی

فرهنگ زیارت در اندیشه و بینش شیعی: لیاقا علی امینی

فلسفه زیارت: عباس کوثری

المنهاج للنووی: محی الدین نووی شافعی

سازماندهی

ما در این پایان نامه هر کدام از موضوعات مورد بحث شفاعت، توسل و زیارت را در یک فصل جداگانه طبق

دیدگاههای امامیه، اشاعره و هابیت به بحث و بررسی خواهیم پرداخت و در پایان طبق نقطه نظرات این مذاهب

اسلامی نتیجه گیری خواهیم کرد.

مقدمه

از اساسی‌ترین مسائل قرآنی و کلامی، مسأله توحید و شرک است، علما و دانشمندی که درباره توحید و شرک سخن گفته‌اند به اقسام گوناگون آن دو اشاره کرده‌اند. توحید همانند شرک برای خود انواع و اقسامی دارد که در کتابهای عقیدتی و احیانا تفسیری پیرامون آنها بحث و گفتگو شده است. برای اینکه خوانندگان گرامی از مجموع اقسام آن به صورت فشرده آگاه باشند، فهرست آن را در اینجا می‌آوریم و سپس درباره یک قسم آن که همان توحید و شرک در عبادت است به صورت اجمال سخن می‌گوییم؛ زیرا محور بحث «ابن تیمیّه» و پیرو او «محمد بن عبد الوهاب» همین مسأله است. آنان مسلمانان را به شرک در عبادت، متهم می‌کنند و در دیگر اقسام، همه را با خود هماهنگ می‌دانند و آنچه که بیش از همه در کتابهای آنها به چشم می‌خورد، مسأله شرک است و نازلترین بدگویی آنان درباره یک نفر، متهم کردن او به شرک است.

از آنجا که برای توحید در عبادت یک تعریف منطقی ارائه نداده‌اند، غالبا در تشخیص مصادیق آن دچار اشتباه شده و چیزهایی را که ارتباطی به عبادت و پرستش ندارد از مصادیق آن می‌انگارند.

اصولا کلید مناظره با وهابیان و حلّ عقده‌ها و گره‌هایی که از جمود آنان مایه می‌گیرد، تفسیر صحیحی از عبادت است تا بلکه در نتیجه این تفسیر، موارد آن روشن شود و انسان، عبادت و پرستش را از احترام و ارج گذاری و دیگر مفاهیم جدا سازد. تا این گره گشوده نشود و عبادت و پرستش به شکل دقیق، تفسیر نگردد، هر نوع بحث و مذاکره با این گروه، سودی نداشته و طرفین به نتیجه نمی‌رسند.

مثلا پیروان محمد بن عبد الوهاب می‌گویند: توسل به پیامبران و صالحان، استغاثه به آنان و استمداد از اولیا؛ عبادت آنهاست و از آنجا که عبادت، مخصوص خداست، طبعاً چنین اعمالی پرستش غیرخدا به شمار می‌رود و پرستشگر غیر او، شرک و محکوم به قتل است.

در حالی که گروه‌های دیگر می‌گویند: توسل به صالحان، از مقوله ی توسل به اسباب است. استغاثه و استمداد از ارواح صالحان پرسش آنها نیست بلکه توسل به وسائل غیبی است که در شرائطی مؤثر می‌باشند.

ما صریحاً این مسأله را اعلام می‌کنیم که نقطه مرکزی اختلاف وهابیان با دیگر مسلمانان، مسأله معنای عبادت و پرستش و در نتیجه جداسازی مصادیق آن از مصادیق دیگر مفاهیم، مانند احترام و بزرگداشت یا توسل به اسباب و وسائل است و به کلیه مناظران و نویسندگان توصیه می‌کنیم که پیش از هر چیز این مشکل را حل کنند و مخاطب را وادار سازند که از عبادت، یک تعریف جامع و مانع ارائه دهد.

مایه تأسف اینکه در سه قرن اخیر که کتابهای وهابیان در اکثر مناطق منتشر شده و همه مسلمانان را به جز گروه خود، متهم به شرک می‌کنند، فصلی و یا بابی برای تعریف عبادت اختصاص نداده‌اند و غیر از کلی گویی، کار دیگری نکرده‌اند.

حال برای آشنایی اجمالی مباحث توحید به ذکر این مباحث می‌پردازیم:

اقسام توحید

همانطور که یادآور شدیم توحید و شرک اقسامی دارد که فقط عناوین آنها را با یک تفسیر اجمالی می‌آوریم:

الف. توحید ذاتی

خدای واجب‌الوجود، یگانه است و برای او نظیر و مانندی نیست و بسیط است و ذات او از ترکیب پیراسته است.

ب. توحید صفاتی

صفات ثبوتی خدا همگی عین ذات او هستند. البته نه به این معنا که خدا فقط ذاتی دارد و از صفاتی مانند علم و قدرت در وجود او خبری نیست، بلکه ذات از نظر کمال به پایه‌ای رسیده است که علم، جدا از ذات و قدرت جدا از واقعیت او نیست و واقعیت وجود او را این کمالات تشکیل می‌دهد. البته این نوع توحید از آن عدلیه است که معتزله و امامیه در پوشش آن قرار گرفته‌اند ولی دانشمندان اشعری با این اصل مخالفت نموده و صفات او را زائد بر ذات او می‌انگارند و اما اهل حدیث مانند احمد بن حنبل و پیروان او، همان عقیده اشعری را دارند که در حقیقت وی از اهل حدیث پیروی کرده است.

ج. توحید در افعال (خالقیت)

یعنی ذات باری تعالی فقط دارای یک فعل است. و در جهان آفرینش، خالق واقعی و حقیقی و مستقلى جز خدا نیست و آفرینندگی دیگر موجودات، از فرشته و انسان و علل طبیعی، همه و همه، جنبه ظلى و تبعی دارند و به اذن و مشیت او کار انجام می‌دهند، این همان معنای صحیح توحید در خالقیت است.

قابل به ذکر است که "توحید افعال" نیز به نوبه خود شاخه‌های زیادی دارد که موارد زیر را در بر می‌گیرد:

۱. توحید خالقیت.

۲. ربوبیت.

۳. توحید مالکیت.

۴. توحید حاکمیت.

د. توحید در عبادت

یعنی عبادت، مخصوص خداست و جز او نباید کسی را به هیچ عنوان پرستید، اگر برخی از مراتب توحید مانند توحید صفات مورد اختلاف است، در این مسأله که عبادت از آن خداست و جز او نباید کسی را عبادت کرد، اختلافی وجود ندارد، اصولاً نمی‌توان فردی را موحد یا مسلمان خواند مگر آنکه اصل:

«ایاک نعبد و ایاک نستعین» (فاتحه/۵) را بپذیرد. (ر.ک: مکارم شیرازی، ۱۳۸۶: ص ۲۵۴)

هدف اساسی از اعزام پیامبران، گسترش این اصل است زیرا مردم به مرور زمان از توحید فطری منحرف شده و به جای خدای واقعی، خدانماها را پرستش می‌کردند، خدا پیامبران را فرستاد تا مردم را به همان توحید فطری باز گردانند چنانکه می‌فرماید: مردم همه یک امت بودند تا اینکه خدا پیامبران نوید بخش و بیم‌دهنده را برانگیخت و به همراه آنها کتاب را به حق فرو فرستاد تا درباره آنچه مردم بر سر آن اختلاف کرده بودند داوری کنند. ^۱(بقره/۲۱۳)

^۱«كان النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً فَبَعَثَ اللَّهُ النَّبِيِّينَ مُبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ وَأَنْزَلَ مَعَهُمُ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ لِيُحْكَمَ بَيْنَ النَّاسِ فِيمَا اخْتَلَفُوا فِيهِ»

آیات قرآن، به صراحت بیان می‌کند که توحید در پرستش، اصل مشترک میان تمام پیامبران می‌باشد چنانکه می‌فرماید:

در میان هر امتی پیامبری فرستادیم که خدا را بپرستید و از پرستش بتها بپرهیزید.^۱ (نحل/۳۶)

بنابراین، اصل کلی مورد اختلاف نیست و همه می‌گویند که عبادت از آن خدا است و هر نوع شرک و دوگانه‌پرستی و انحراف از خطّ توحید، محکوم است و باید از آن دوری جست، اگر اختلافی در کار است فقط و فقط در تشخیص جزئیات است که آیا مثلا توسل به انسان پاکدامن، مصداق پرستش اوست یا از جزئیات توسل به اسباب است. اینجاست که لازم است موارد مذکور به دقت بررسی شود تا با در دست داشتن مقیاس و ضابطه صحیح درباره موضوعات مورد نزاع، به داوری بپردازیم.

از عمده مواردی که وهابیون با آن به شدت برخورد می‌کنند و از آنها به عنوان شرک و یا بدعت یاد می‌کنند به این شرح می‌باشد:

۱. توسل به انبیاء و صلحاء و استغاثه و تقاضای حل مشکلات از آنها.

۲. طلب شفاعت از غیر خدا.

۳. زیارت قبور انبیاء و اولیاء و صلحاء و شد رحال به سوی آنها و یا خواندن نماز نزد قبور آنان.

۴. ساختن قبه و بارگاه و ضریح و صندوق و برافروختن چراغ و تزئین آنها و قرار دادن خادمان متولیان برای آنها.

۵. برپا ساختن مراسم اعیاد در میلاد مسعود پیامبر(ص) و سایر بزرگان اسلام خواه نزد قبر آنها باشد یا غیر آن.

در همه این مسائل معمولا به سراغ توحید افعالی و توحید عبادت می‌روند و لذا دیدگاه آنها در این مساله برای روشن شدن طرز تفکرشان باید دقیقا تشریح شود آنها توحید را به دو شاخه توحید ربوبیت (اعتقاد به اینکه خالق و رازق و مدیر تنها خدا است) و توحید عبادت (منحصر ساختن تمام انواع عبادت به خدا) تقسیم کرده‌اند و

^۱ «و لقد بعثنا فی کلّ امة رسولا ان اعبدوا الله و اجتنبوا الطّاغوت»

می‌گویند اعتقاد به توحید ربوبیت بدون توحید عبادت مفید نیست، زیرا مشرکان عرب توحید ربوبیت را با توجه به آیات مذکور قبول داشتند:

الف. آیه ۲۵ سوره لقمان: و هرگاه از آنان سؤال کنی: «چه کسی آسمانها و زمین را آفریده است؟» مسلماً می‌گویند: «الله»، بگو: «الحمد لله (که خود شما معترفید)!» ولی بیشتر آنان نمی‌دانند! ^۱

ب. آیه ۹ سوره زخرف: هر گاه از آنان بپرسی: «چه کسی آسمانها و زمین را آفریده است؟» مسلماً می‌گویند: «خداوند قادر و دانا آنها را آفریده است!» ^۲

ج. آیه ۳۱ سوره یونس: بگو: «چه کسی شما را از آسمان و زمین روزی می‌دهد؟ یا چه کسی مالک (و خالق) گوش و چشمهاست؟ و چه کسی زنده را از مرده، و مرده را از زنده بیرون می‌آورد؟ و چه کسی امور (جهان) را تدبیر می‌کند؟» بزودی (در پاسخ) می‌گویند: «خدا»، بگو: «پس چرا تقوا پیشه نمی‌کنید (و از خدا نمی‌ترسید)؟! ^۳

با این حال و با اینهمه اعترافات باز کافر بودند چرا که به سراغ بتها می‌رفتند و عقیده آنها درباره بتها این بود که آنها را برای این می‌پرستیدند که در پیشگاه خدا برای آنان شفاعت میکنند و منطبق آنها این بود:

ما اینها را نمی‌پرستیم مگر بخاطر اینکه ما را به خداوند نزدیک کنند. ^۴ (زمر/۳)

و به گفته محمد بن عبد الوهاب در رساله کشف الشبهات آنها بعضی از مخلوقات را واسطه میان خود و الله قرار می‌دادند و می‌گفتند ما می‌خواهیم به وسیله آنان به خدا نزدیک شویم و برای ما شفاعت کنند، گاه فرشتگان را به خاطر قرب الی الله شفیع خود قرار می‌دادند و گاه مرد صالحی همچون "لات" یا پیامبر همچون "عیسی" و قصدشان تنها شفاعت اینها و تقرب الی الله ولی همین امور سبب کفرشان و حلال بودن خون و اموالشان شد، بنابراین اگر مسلمین نیز به سراغ اولیاء و انبیاء برای شفاعت یا قرب الی الله یا قضاء حاجات بروند عیناً همان کار کفار خواهد

^۱ «و لئن سألنهم من خلق السموات و الارض ليقولن الله قل الحمد لله بل اکثرهم لا يعلمون»

^۲ «و لئن سألنهم من خلق السموات و الارض ليقولن خلقهن العزيز العليم»

^۳ «قل من يرزقكم من السماء و الارض امن يملك السمع و الابصار و من يخرج الحي من الميت و يخرج الميت من الحي و من يدبر الامر

فسيقولون الله فقل افلا تتقون»

^۴ «ما نعبدهم الا ليقربونا الى الله زلفى»

بود و همین سبب می‌شود که در ردیف مشرکان عرب قرار گیرند.^۱ (عبد العزیز بن محمد بن علی آل عبد اللطیف، بی تا: ج ۱، ص ۱۲)

وهابیان براساس همین اعتقاد، تمام فرق مسلمین را که به مسائلی مانند شفاعت و توسل و زیارت قبور و امثال آن قائل بودند، مشرک می‌شمردند و اگر تعجب نکنید جنگ با آنها را واجب و خونشان را مباح و کشورهایشان را دار الحرب و مبارزه با آنها را جهاد فی سبیل الله و بلاد آنها را بلاد شرک می‌شمردند که واجب است اهل ایمان و توحید از آن هجرت کرده و به سوی بلاد اسلام که همان مرکز وهابیت است، هجرت کنند، همان‌گونه که در مورد بت پرستان ثابت است.

محمد بن عبد الوهاب در رساله "ثلاثة اصول" در این باب می‌گوید:

هجرت کردن بر این امت که در دیار شرک زندگی می‌کنند به سوی بلد و کشوری غیر مشرک، واجب است.^۲ (صالح بن عبدالله بن عبد الرحمن العبود، بی تا: ج ۱، ص ۲۶۴)

آنها حتی اسیر کردن و برده ساختن زنان و فرزندان مسلمین را که با آنها همصدا نیستند، مجاز می‌شمردند.

صنعتی که از سران معروف آنها است، در رساله "تطهير الاعتقاد" در چند مورد به این مساله اشاره کرده است در یکجا می‌گوید:

هرکس این‌گونه کارها را انجام دهد توسل و استغاثه به اولیاء الله و مانند آن مصداق شرک در عبادت خواهد بود و کسی که این کارها برای او انجام می‌شود معبود آنها خواهد شد و انجام دهنده عبادت‌کننده آن مخلوق محسوب می‌شود هرچند به خدا اقرار داشته باشد و خدا را بپرستد زیرا اقرار مشرکین و اعتقادشان به خدا و تقرب به سوی

^۱ «واعلم أن المشركين الذين قاتلهم رسول الله صلى الله عليه وسلم صفة إشراكهم أنهم يدعون الله ويدعون معه الأصنام والصالحين مثل عيسى وأمه والملائكة ن يقولون : هؤلاء شفعاؤنا عند الله ، وهو يقرون أن الله سبحانه هو النافع الضار المدبر .. فإذا عرفت هذا ، وعرفت أن دعوتهم الصالحين وتعلقهم عليهم أنهم يقولون : ما نريد إلا الشفاعة ، وأن النبي صلى الله عليه وسلم قاتلهم ليخلصوا الدعوة لله ويكون الدين كله لله»

^۲ «الهجرة فريضة على هذه الامة من بلد الشرك الى بلد»

او مانع شرک و ریختن خونهای آنها و اسیر کردن فرزندان و غارت اموالشان نبود.^۱ (به نقل از: امین، بی تا: ص ۱۱۸)

در جای دیگر: با تعبیر روشنتری از این مساله وحشتناک و عجیب پرده بر می‌دارد و می‌گوید:

کسی که از این‌گونه عقائد باز گردد و اقرار به حقیقت توحید کند خون و مال و فرزندانش محفوظ خواهد بود و هرکس اصرار بر عقیده خود ورزد خداوند آنچه را که برای رسول الله از مشرکان حلال کرده بود، از او برای ما حلال کرده است.^۲ (به نقل از: امین، بی تا: ص ۱۱۸)

این تعبیرات که در سخنان پایه‌گذاران این مسلک با صراحت یا با اشاره آمده، ابعاد وحشتناک عقیده آنها را درباره عموم مسلمین که مسائلی همچون شفاعت و توسل و زیارت را پذیرفته‌اند روشن می‌سازد که اگر یک وقت دست آنها باز باشد و به اصطلاح پای آنها به رکاب برسد تمام فرق مسلمین را بدون استثنا جز وهابیان کافر و بت‌پرست دانسته اموالشان را به غارت می‌برند و خونشان را مباح می‌شمرند و زنان و فرزندان آنها را به عنوان برده به اسارت می‌برند.

گرچه امروز کمتر از این سخنان دم می‌زنند و نسل جدید آنها شاید از این فجایع باخبر نیستند و حتی بعضی از علمای اسلامی که تحت تاثیر پاره‌ای از تعبیرات وهابیان در مبارزه با خرافات قرار گرفته‌اند نتوانند باور کنند که آنها در مورد فرق مسلمین چنین اعتقادی را دارند ولی تاریخ وهابیت نشان می‌دهد که آنها به این اعتقاد جامه عمل پوشیده‌اند.

اکنون به اصل مساله بپردازیم و ببینیم که اصولا فرق میان شرک و توحید را در مورد توسل و شفاعت و زیارت و امثال آن دریابیم.

مفهوم شناسی

^۱ «و من فعل ذلك الاستغاثه و ما یجری مجراها لمخلوق فهذا شرک فی العبادة و صار من فعل له هذه الامور الها لعابديه و صار الفاعل عابدا لذلک المخلوق و ان اقر بالله و عبده فان اقرار المشرکین بالله و تقریهم الیه لم یخرجهم عن الشرک و عن وجوب سفک دمائهم و سبی ذرایتهم و نهب اموالهم»

^۲ «فمن رجع و اقر حقن علیه دمه و ماله و ذراریه و من اصر فقد اباح الله منه ما اباح لرسول الله من المشرکین»

در ابتدای ورود به بحث با واژگانی برخورد می کنیم که در طول این تحقیق بارها تکرار خواهد شد که برای تبیین معنایی و مفهومی این واژه ها و جلوگیری از خلط معنایی و مفهومی و با واژگان مرتبط و همسو و برای درک بهتر مطالب ضروری می باشد

فرق اسلامی

در لغت

این علم بر خلاف سایر علوم اسلامی از یک نام مشخص و منحصر به فرد برخوردار نیست و در طول سده های گذشته عناوین مختلفی را برای این علم به کار برده اند. اما در مجموع معروفترین تعبیر، یکی فرق و مذاهب و دیگری ملل و نحل بوده است.

از لحاظ لغوی، فرق، جمع فرقه به معنای گروهی از مردم است. (مهیار، بی تا: ص ۶۶۲) مذاهب، جمع مذهب به معنای راه و روش و عقیده و اصل می باشد. (همان: ص ۸۰۲) ملل، جمع مله، اسمی است برای آیین که خداوند برای بندگانش مقرر داشت. (راغب اصفهانی، بی تا: ج ۱، ص ۷۷۳) و بالاخره نحل، جمع نحلّه و به روش فکری دقیق حکیمانه گفته می شود. (همان، ج ۱۲، ص ۵۷)

حدیث تفرقه

اندیشه های متفاوت لازمه قوه تفکر انسان است، و اگر این تفکرات از محور معین و ثابتی برخوردار نباشد لازم می آید که این اندیشه ها تا بی نهایت ادامه یابد، و این به گونه ایست که با تولد هر انسانی، باید منتظر اندیشه ای تازه باشیم. ولی با ظهور ادیان و مذاهب و مکاتب مختلف، افکار و اندیشه های بشر حول محور خاص به گردش آمدن و تا حدودی از پراکندگی بیش از حد جلوگیری کردند.

در این میان پیدایش اسلام به عنوان دین خاتم نقطه عطفی در تاریخ فکری بشر به وجود آورد؛ زیرا پیام نوید بخش دین اسلام این بود که کاروان فکری و عقلی بشر بقدری رشد یافته که می تواند در چارچوب این دین کامل و بدون نیاز به دین جدیدی به سر منزل مقصود برسد. شاید اگر این دین در مسیر اصلیش قرار می گرفت، می توان با کمترین اختلاف دینی، بشر را به سعادت رهنمون کند. اما هنوز چند دهه از پیدایش دین اسلام نگذشته بود که همچون دیگر ادیان اختلافات درون دینی آن آغاز شد و به مرور زمان این اختلافات تحت تاثیر عوامل مختلف فکری، فرهنگی، سیاسی، اقتصادی، اقلیمی، و... سرعت گرفت.

علمای فرق و ملل و نحل اسلام اساس تقسیم فرقه‌های آن دین مبین را هفتاد و سه گروه می‌دانسند، حدیثی منسوب به پیغمبر اسلام که به اختلاف روایات چنین آمده است:

یهودیان به هفتاد و یک فرقه و نصاری به هفتاد و دو فرقه تفرقه پذیرفته‌اند، و امت من به هفتاد و سه فرقه تفرقه پذیرند که همه در آتش دوزخند مگر یک فرقه، و آن فرقه ناجیه است. ^۱ (طبرسی، ۱۳۸۶-۱۹۶۶: ص ۳۹۱)

عبد القاهر بغدادی در کتاب الفرق بین الفرق (بغدادی، ۱۹۷۷: ص ۵) خود را به مفهوم این حدیث مقید کرده و اساس تفرقه مسلمانان را بر آن قرار داده است، و سعی کرده فرقه‌های اسلام را به صورتی متکلمانه و تصنعی، به هفتاد و سه فرقه برساند.

اما ابن حزم اندلسی در کتاب خود الفصل فی الملل و الایواء النحل (ابن حزم الطاهری، بی تا: ج ۲، ص ۸۸) اعتمادی به این تقسیم ساختگی نکرده، با یک روش منطقی فرقه‌های اسلام را بر روی مواضع مورد اختلاف طبقه‌بندی کرده است.

از دیگر کسانی که استشهاد به این حدیث کرده‌اند، ابن الجوزی در الموضوعات است، ولی در تأویل این حدیث درباره نجات فرق اسلام قائل به تسامح شده، و می‌نویسد که:

همه آن فرقه‌ها در بهشت‌اند جز زندیقان. ^۲ (ابن جوزی، ۱۳۸۶-۱۹۶۶ م: ص ۲۶۸)

حال تصور بر این است که با توجه به کثرت اسناد این حدیث در منابع شیعه و اهل سنت، اثبات جعلی بودن آن بسیار مشکل است ولی سوال اصلی و قسمت مبهم این حدیث این است که:

منظور از اختلافی که باعث بوجود آمدن یک فرقه می‌شود چیست؟

اگر مراد اختلاف فقهی باشد، هنوز تعداد فرقه‌ها نباید به هفتاد و سه فرقه رسیده باشد، و اگر منظور اختلافات کلامی باشد، اگر شامل هر گونه اختلاف در مسائل کلامی اعم از خرد و کلان باشد، تعدا فرقه‌های مختلف در طول تاریخ اسلام از مرز هزار نیز گذشته است، و اگر اختلاف در مسائل اصلی همانند توحید، امامت، و عدل باشد، هنوز فرقه‌ها به این عدد نرسیده است.

علل پیدایی مذاهب اسلامی

^۱ «افترقت الیهود علی احدی و سبعین فرقة، و افترقت النصارى علی اثنتین و سبعین فرقة و تفرقت امتی علی ثلاث و سبعین فرقة کلهم فی النار الاً واحدة»

^۲ «كلها فی الجنة اِلَّا الزنادقة»